



# بانوی کرامت

بررسی و مروری بر کرامت‌های حضرت معصومه علیها السلام  
به مناسبت سالروز میلاد آن بانوی کریمه اهل بیت

● محمد عابدی

## ○ مقدمه

کوتاهتر یا حذف کند، سلسله سبب‌ها را بردارد و خود مستقیماً بر معلول اثر کند.

۴- این خلاف عادت به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد که دو نمونه آن عبارت است از: معجزه و کرامت.

الف: در «معجزه»، برای این که پیامبران از غیر شناخته شوند و آن‌ها را به تحدی و مبارزه بطلبند و شکست دهند، خداوند علت‌های طبیعی را از چرخه علت و معلول خارج می‌کند.

ب: در «کرامت» برای این که خداوند به بندگان برگزیده و اولیای خاص خود، توجه‌اش

۱- می‌دانیم که نظام آفرینش براساس

اسباب و مسبب‌ها خلق شده و هر مسببی متأثر از سبب و هر معلولی زائیده علتی است.

۲- علت اصلی هر چیزی و مبدأ آن خداوند است. و اوست که نظام علی و معلولی را پدید آورده و به اشیای مختلف خاصیت علی و به بعضی دیگر معلولی داده است.

۳- خداوند می‌تواند همان طور که خاصیتی را به چیزی می‌دهد، از آن سلب کند و یا چرخه علت و معلول‌ها را برخلاف نظم عادی آن

را نشان دهد، اجازه می‌دهد معلول‌هایی بدون دخالت برخی علت‌ها، متأثر شوند. و البته برای کسب این مقام لازم است بندگان با عبادت و اطاعت، خود را در معرض شایستگی این مقام قرار دهند و لیاقت کسب این عنایت و بزرگواری را داشته باشند.

### ○ کرامت در قرآن و ...

در قرآن کریم برای بعضی از اولیا و بندگان شایسته خدا مقام کرامت اثبات شده است، مانند آیه شریفه «كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»<sup>(۱)</sup> «هر وقت زکریا داخل محراب عبادت مریم می‌شد، رزقی را نزد او می‌یافت. [به او] می‌فرمود: ای مریم! این [غذا] از کجا آمده است؟ [مریم] پاسخ می‌داد: از نزد خداست.»

البته واضح است که این مقام تنها در سایه بندگی به دست می‌آید و براساس آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِعُ جِزْرَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>(۲)</sup> خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند و تا انسان خود را محسن نسازد، اجر آن را نیز نخواهد دید و اولیای خدا که خود را به مقام محسنین رسانده‌اند، تنها کسانی هستند که شایستگی رسیدن به مقاماتی مانند کرامت را به عنوان اجر و پاداش خواهند داشت.

نکته‌ای که در آیه ۳۷ آل عمران وجود دارد این است که یک زن (مریم) بر اثر عبادت خود به مقامی (کرامت) دست می‌یابد که حتی شگفتی پیامبر خدا (زکریا) را نیز برمی‌انگیزد لذا او می‌پرسد: «أَنَّى لَكَ هَذَا».

بر همین اساس بندگان خاص خدا، از جمله

زنان متقی و پرهیزکار در طول تاریخ به این مقام رسیده‌اند، مانند حضرت فاطمه زهرا ع که در تفسیر روح البیان می‌خوانیم: رسول اکرم ص در زمان تنگدستی از دخترش فاطمه پرسید: این غذا از کجاست؟! فاطمه ع جواب داد: «هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ!» و پیامبر فرمود: شکر خدا را که دخترم همانند مریم است.<sup>(۳)</sup>

نمونه‌ای دیگر از کرامت بانوان را به نقل از امام محمد باقر ع می‌خوانیم که درباره مادر ارجمندش فاطمه بنت الحسن ع می‌فرماید: «كَانَتْ أُمِّي قَاعِدَةً عِنْدَ جِدَارٍ فَتَصَدَّعَ الْجِدَارُ وَسَمِعْنَا هَذِهِ شَدِيدَةً فَقَالَتْ بَيْدَهَا لَا وَحَقَّ الْمُصْطَفَى مَا أذنَ اللَّهُ لَكِ فِي السَّقُوطِ فَبَقِيَ مَعْلَقًا فِي الْجَوْحِ حَتَّى جَازَتْهُ فَتَصَدَّقَ أَبِي عَنْهَا بِمِائَةِ دِينَارٍ»<sup>(۴)</sup>؛ مادرم کنار دیواری نشسته بود، ناگاه دیوار شکاف برداشت و صدای مهیبی شنیدیم. با دستش اشاره کرد و گفت: نه، به حق مصطفی ص خداوند به تو اجازه فرو افتادن ندهد. پس دیوار در هوا معلق ماند تا [مادرم کنار رفت و] اجازه داد [تا دیوار فرو ریخت]. پدرم به سبب دفع این خطر صد دینار صدقه داد.»

### ○ کرامت زنده‌ها و ...

برخی عقیده دارند کرامت‌های بندگان پرهیزکار تنها مربوط به دوران حیات آن‌ها است و بعد از مرگ نمی‌توان ادعای کرامتی برای آنان کرد. از جمله در کتاب فتح‌المجید می‌خوانیم:

«کرامات اولیاء الله این است که خداوند بندگان را گرامی بدارد. این کرامات نفع و

لک عند الله شانا من الشان) که پشتوانه این بزرگواری هاست.

و از این روست که بر خلاف نظر وهابیان و ... ما عقیده داریم که اولیای الهی حتی بعد از رحلت هم صاحب کرامت و ارتباط متقابل و مؤثر با زائران و متوسلان به خود هستند.

دلیل دوم بر رد دیدگاه کسانی که کرامت را فقط مخصوص دوران حیات می دانند، صدور کرامت های متعدد از بندگان خاص خداوند، بعد از وفات آن هاست. و به عبارت دیگر هم در مقام اعتقاد و التزام وهم در مقام اتفاق و رویداد، کرامت آنان بعد از وفات ممکن و وقوع یافته است و ما در این مقاله به نمونه هایی مستند از این دست کرامات خواهیم پرداخت.

#### ○ مشخصه های دیگر

با توجه به آن چه گفتیم، کرامت کاری خارق العاده و خلاف عادت نظام موجود (علی و معلولی) است که هرگز احدی از مرتاض ها و نابغه های جهان نمی توانند آن را انجام دهند. کسی نمی تواند اثر کرامت را نابود کند یا مانع تحقق آن شود، چون کرامت متصل به قدرت بی کران خداوند است.

کرامت نوعی عنایت به دلسوختگان و تقاضا کنندگان است. کرامت محدودیت زمانی یا مکانی هم ندارد، چون بر قدرت نامحدود خداوند متکی است و این قدرت در هر زمان می تواند جاری شود و نهایت این که چون شخص پرهیزکار (از اهل بیت یا مردم عادی مثل علمای متقی) به خاطر زلالی باطن، به این مقام دست یافته، باید تأکید کرد که این مقام قابل تعلیم و تعلم نیست و تنها عطیه ای الهی است.

ضرری ندارد، اگر هم داشته باشد در زمان حیات آن ها است. این کرامات بعد از مرگ هیچ ارزشی ندارد و انسان نباید به این کرامات دل خوش دارد.»<sup>(۵)</sup>

این دیدگاه به دو دلیل قابل خدشه است. اول این که مرگ به معنای عدم و معدوم شدن نیست و اگر چنین بود، با نابودی شخص، هر نوع اثربخشی و کرامت از سوی وی نیز قطع می شد، اما چون ما برخلاف این گروه (وهابیان) مرگ را پایان زندگی و عامل قطع ارتباط با این جهان نمی دانیم، لذا کرامات آنان را بعد از مرگ نیز می پذیریم و بر همین اساس است که پیامبر اکرم ﷺ می فرمود: «من زارنی اوزار احدنا من ذریستی، زرتسه یوم القیمة فانقذته من احوالها»<sup>(۶)</sup> هر کس مرا یا یکی از فرزندانم را زیارت کند، در روز قیامت به دیدارش خواهیم رفت و از ترس های آن روز او را نجات خواهیم داد.

و دقیقاً براساس همین دیدگاه است که زائر، در کنا قبر فاطمه معصومه علیها السلام می ایستد و با وی سخن می گوید: «یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فان لک عند الله شانا من الشان»<sup>(۷)</sup> ای فاطمه! مرا در بهشت شفاعت کن که برای تو نزد خدا مقامی وصف ناشدنی است.»

امام رضا علیه السلام با این تعلیم خود، عملاً ما را متوجه وجود ارتباط بین شخص بزرگواری که به ظاهر از این جهان رخت برسته، با زائر خود می سازد و طبیعتاً وی تقاضاهای زائران خود را می شنود و با کرامات خود می تواند خارج از چرخه طبیعی علت و معلول ها، آن را برآورده سازد. زیرا وی مقامی عظیم نزد خدا دارد (فان

### ○ کریمه اهل بیت

در کنار القاب متفاوت فاطمه بنت موسی بن جعفر علیه السلام مانند عالمه، محدثه، شفیعه، معصومه و ... از «کریمه اهل بیت» نیز سخن به میان آمده است و رؤیای صادقه‌ای که پدر بزرگوار آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی دیده‌اند، نیز در تأیید همین مقام والا است.

وی که سید محمد مرعشی نام داشت و از علما و نسابه‌های گرانقدر بود، علاقه داشت به هر صورت ممکن، قبر شریف حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را بشناسد. او برای این کار ختم مجربی را انتخاب و چهل شب آن را خواند. شب چهلم در عالم رؤیا دید که به محضر امام معصوم (امام باقر یا صادق علیهما السلام) رسیده است. امام به ایشان فرمود: «علیک بکریمه اهل البیت» بر تو باد که به کریمه اهل بیت تمسک بجویی. وی که تصور کرده بود منظور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، می‌گوید: بله من نیز می‌خواهم قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام را بدانم تا بتوانم زیارت کنم که امام علیه السلام می‌فرماید: منظور من قبر شریف حضرت معصومه علیها السلام در قم است. و آن‌گاه فرمود: به جهت مصالحی، خداوند اراده فرمود محل قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام مخفی باشد، لذا قبر حضرت معصومه علیها السلام را تجلیگاه قبر شریف حضرت زهرا علیها السلام قرار داد. (۸)

### ○ انواع کرامت‌ها

کرامت‌های حضرت معصومه علیها السلام را می‌توان به دو گونه (مخاطبان و کرامت‌ها) تقسیم کرد، زیرا گاه اشخاصی که مورد کرامت و عنایت قرار گرفته‌اند، انسان‌هایی عادی بوده‌اند و گاه جزو

عالمان و بزرگان. از طرف دیگر زمانی افرادی مسلمان و زمانی هم غیر مسلمان هستند. گونه کرامت‌ها نیز به سه صورت (علمی، جسمی و مادی) روی داده است. ما به نمونه‌هایی از هر نوع کرامت می‌پردازیم.

### ۱- عالمان و کرامت‌های علمی

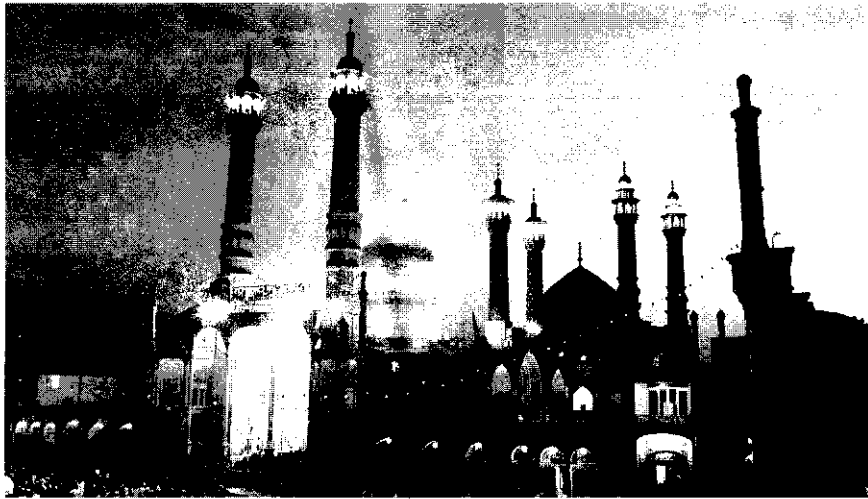
● محدث قمی در فوائد رضویه در شرح حال ملا صدرا می‌نویسد: «ایشان به جهت برخی از ابتلائات از محل اقامت خود (شیراز) به دارالایمان قم مهاجرت کرد که عَش آل محمد است و حرم اهل بیت علیهم السلام است.

وی به حکم «اذا عَمَّتِ الْبِلْدَانَ الْفِتْنُ وَالْبِلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقَمِّ وَحَوَالِيهَا وَنَوَاحِيهَا، فَإِنَّ الْبِلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْهَا»، به قریه‌ای از قرای قم به نام کهک در چهار فرسخی قم پناه برد.

هنگامی که برخی مطالب علمی بر او مشکل می‌شد از کهک به زیارت حضرت سیده جلیله، فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام مشرف می‌شد و از آثار فیض آن حرم مطهر بر او افاضه می‌شد و مشککش حل می‌گردید. (۹)

● آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز یکی از این نوع کرامت‌های حضرت فاطمه معصومه علیها السلام را که برای خودش روی داده این‌گونه نقل می‌کند:

«موضوعی برای من پیش آمد که مربوط به سال‌ها قبل است. من هر وقت به این آیه شریفه ﴿أَتَمَّا يَرِيذُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيَطْهَرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ (۱۰) می‌رسیدم این سؤال در ذهنم می‌آمد که اگر این آیه مخصوص اهل بیت پیامبر است و به همسران آن حضرت ربطی ندارد، چرا در بین آیاتی آمده است که از زنان پیامبر و احکام مربوط به آن‌ها سخن می‌گوید؟



آیات مربوط به زن‌های پیامبر بوده لکن حرف خداوند متعال این بوده که با پرائتر آیه تطهیر، اهل بیت علیهم‌السلام را جدا کنند و فضیلتی را برای اهل بیت علیهم‌السلام ثابت کنند و بفرمایند که این فضیلت مربوط به زن‌های پیامبر نیست. بلکه مربوط به اهل بیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خود امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام و همین طور امامان بعدی است...» (۱۲)

## ۲ - عالمان و کرامات مادی

مرحوم آیت‌الله العظمی سید صدرالدین صدر می‌فرمود: بعد از مرحوم آیت‌الله العظمی حائری مدتی شهریه طلبه‌ها را من می‌دادم تا این که یک ماه وجهی نرسید. مجبور شدیم قرض کنیم و شهریه بدهیم. ماه دوم نیز پولی نرسید. باز قرض کردیم، ولی ماه سوم جرأت نکردیم قرض کنیم.

جمعی از طلبه‌ها برای شهریه به خانه من آمدند. من هم گفتم که چیزی در بساط ندارم و مقروض هم هستم. یک مرتبه صدای گریه

این مطلب سال‌ها ذهن مرا مشغول کرده بود و به صورت یک مشکل علمی در آمده بود تا آن که متوسل به حضرت معصومه علیها‌السلام شدم و به لطف الهی و عنایت آن حضرت این مشکل حل شد... کتابی علمی در این باره نوشتیم... اگر کسی در خانه این کریمه اهل بیت برود دست خالی برنمی‌گردد.» (۱۱)

ایشان در جای دیگر پیرامون این کرامت توضیح بیشتری می‌دهد: «... بعد از این که زیارت را خواندم، عرض کردم: من امروز آمده‌ام و هیچ حاجتی مثل پول و منزل و... ندارم. فقط یک حاجت دارم و آن این است که در فهم آیه تطهیر مورد عنایت شما واقع شوم. آیه تطهیر را درست بفهمم و بنویسم و حل مشکل کنم. بعد آمدیم و شروع کردیم به نوشتن آیه تطهیر. یک مسائلی و یک مطالبی به برکت حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام برای ما روشن شد که اگر پنجاه سال دیگر درس می‌خواندیم آن مطالب برای ما روشن نمی‌شد. به جایی رسید که برای ما روشن شد جای آیه تطهیر حتماً در بین

آن‌ها بلند شد که پس چه کنیم؟ نه در مدرسه تأمین امنیت داریم و نه می‌توانیم به وطن برگردیم. اگر این جا هم خرجی نداشته باشیم، دقیقاً توهین‌هایی که می‌کنند صادق می‌شود. من هم از ناراحتی آن‌ها به گریه افتادم و گفتم: تشریف ببرید، انشاء الله تا فردا کاری می‌کنم. آن‌ها رفتند و من تا شب هرچه فکر کردم، به جایی نرسیدم. تمام شب را هم فکر کردم و خوابم نبرد. بالاخره سحر برخاستم، تجدید وضو کردم و به حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام مشرف شدم. حرم بسیار خلوت بود و کسی آمد و شد نداشت. بعد از ادای نماز صبح و مقداری تعقیب، با حالت ناراحتی شدیدی که همه‌اش منظره روز گذشته را در نظرم جلوه‌گر می‌کرد، پای ضریح مطهر آدمم و با عصبانیت و ناراحتی عرض کردم: عمه جان این رسم نیست که عده‌ای از طلاب غریب در همسایگی شما جان بسپارند. اگر می‌توانید اداره کنید بسم الله و اگر توانش را ندارید، به برادر بزرگوارتان حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام یا جد بزرگوارتان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حواله فرمایید.

این را گفتم و از حرم بیرون آمدم ... و به خانه برگشتم ... ناگهان دیدم در اطاق را می‌زنند. کربلایی محمد آمد و گفت: یک نفر با کلاه شاپو و چمدانی در دست می‌گوید همین الان می‌خواهد خدمت شما برسد. گفتم: بگو بیاید اگر چه راحت‌تر کند.

طولی نکشید که مردی موقر وارد شد و گفت: ببخشید، چون وقت نداشتیم بد موقع خدمت شما شرفیاب شدم. همین الان که ماشین ما

بالای گردنه سلام رسید و نگاهم به گنبد حضرت معصومه علیها السلام افتاد، ناگهان به فکر رسید که من با آتش و باد مسافرت می‌کنم و هر ساعت برایم احتمال خطر هست. با خود گفتم اگر پیش آمدی شود و بمیرم و مالم تلف شود و دین خدا و سهم امام در گردنم بماند چه خواهم کرد؟ لذا وقتی به قم رسیدیم، از راننده خواستم مقداری صبر کند تا مسافری به زیارت بروند، من هم خدمت شما برسم.

او اموالش را حساب کرد و مبلغ زیادی بدهکار شد. در چمدانش را باز کرد و به اندازه‌ای وجه پرداخت که علاوه بر ادای قرض‌ها و پرداخت شهریه آن ماه، تا یک سال شهریه را از آن پول پرداخت نمودم. آن‌گاه به حرم مشرف شدم و از حضرت معصومه علیها السلام تشکر کردم. (۱۳)

### ۳- عالمان و کرامت‌های جسمی

آیت‌الله سید عزالدین زنجانی می‌فرمود: «در قم دچار مریضی آزار دهنده‌ای شدم که قابل توصیف نبود. چاره‌ای نداشتیم جز آن که به حرم مشرف شدم و با حضرت معصومه عرض حال کردم. خدا را گواه می‌گیرم که از حرم بیرون نیامده بودم که احساس بهبودی کردم.» (۱۴)

آیت‌الله العظمی اراکی نیز می‌فرمود: «مدتی دست‌هایم ورق کرده، پوست آن ترک برداشته بود و ناچار باید تیمم می‌کردم. معالجات بی‌اثر شده بود. تا این که به حرم حضرت معصومه متوسل شدم، در همان حال مثل این که به من الهام شد دستکش به دست کنم. همین کار را کردم و دستم خوب شد.» (۱۵)

#### ۴- افراد عادی و کرامات جسمی و ...

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی می‌فرمود:  
«بعد از فروپاشی شوروی و آزاد شدن جمهوری‌های مسلمان‌نشین، مردم شیعه نخجوان تقاضا کردند که عده‌ای از جوانان خود را به حوزه علمی قم بفرستند تا برای تبلیغ در آن منطقه تربیت شوند.

مقدمات کار فراهم شد و استقبال عجیبی از این امر به عمل آمد. از بین سیصد نفر داوطلب، پنجاه نفری که معدل بالایی داشتند و جامع‌ترین آن‌ها بودند برای اعزام به حوزه علمی انتخاب شدند. در این میان جوانی که با داشتن معدل بالا، به سبب اشکالی که در یکی از چشمانش وجود داشت، انتخاب نشده بود، با اصرار فراوان پدر ایشان، مسؤول مربوطه ناچار از قبول ایشان شد. ولی هنگام فیلمبرداری از مراسم بدرقه از کاروان علمی، مسؤول فیلمبرداری دوربین را روی چشم معیوب این جوان متمرکز کرده و تصویر برجسته‌ای از آن را به نمایش می‌گذارد. جوان با دیدن این منظره بسیار ناراحت و دل شکسته می‌شود. وقتی کاروان به قم رسید و در مدرسه مربوطه ساکن شدند، این جوان به حرم مشرف شده و با اخلاص تمام متوسل به حضرت می‌شود و در همان حال خوابش می‌برد. در خواب عوالمی را مشاهده کرده و بعد از بیداری می‌بیند چشمش سالم و بی‌عیب است.

او بعد از شفا گرفتن به مدرسه بر می‌گردد. دوستان او با مشاهده این کرامت و امر معجزه آسا، دسته جمعی به حرم حضرت معصومه علیها السلام مشرف شده و ساعت‌ها مشغول

دعا و توسل می‌شوند. وقتی این خبر به نخجوان می‌رسد، آن‌ها مصرانه خواهان این می‌شوند که این جوان بعد از شفا یافتن و سلامتی چشمش به آن جا برگردد که باعث بیداری و هدایت دیگران و استحکام عقیده مسلمین گردد.» (۱۶)

#### ۵- اشخاص غیرمسلمان

گستره کرامات فاطمه معصومه علیها السلام چنان وسیع است که اشخاص غیرشیعه و حتی غیرمسلمان نیز از آن برخوردار می‌شوند و البته عموماً نیز بعد از کسب شفای خود به مذهب حق روی می‌آورند. نمونه این سعادت‌مندان «نانسی»؛ زن مسیحی اهل تهران است که خودش می‌گفت:

«شانزده ساله بودم که ازدواج کردم و هنوز پانزده روز از ازدوایمان نگذشته بود که پدر و مادر شوهرم در تصادف کشته شدند و من سرپرستی سه فرزند آن‌ها (آلبرت، ادیت و آلبرتین) را عهده‌دار شدم. پس از ۲۰ سال که دخترها ازدواج کردند و آلبرت خود را برای تحصیلات دانشگاهی آماده می‌کرد، ناگهان «رامان»؛ برادر گمشده شوهرم پیدا شد. او با همسر و سه فرزندش، خانه‌ای نزدیک منزل ما اجاره کرد و به همراه همسرش برای آوردن وسایل به شمال رفت، ولی آن دو نیز تصادف کردند و کشته شدند و من بار دیگر مسؤول سرپرستی از کودکان او شدم.

پس از مدتی مبتلا به درد پا شدم و بارها به دکترها مراجعه کردم و سرانجام گفتند که باید عمل شود. من تعلل کردم تا آن که پایم کاملاً متورم شد و دکترها گفتند که باید قطع شود.

من ترسان و گریه کنان به خانه امدم. غروب بود که از شدت خستگی به خواب رفتم. در خواب زن مقدسی را دیدم که چادر مشکی بر سر و لباس سبز بر تن داشت. او دست مرا گرفت و گفت: «نترس، بچه‌های امان تو را با پای سالم نیاز دارند.»

از خواب پریدم. در همان حال، صدای زن همسایه توجهم را جلب کرد. او یکی از همسایه‌های ما و زنی مسلمان بود که در مورد شفا یافتن یک بیمار لاعلاج به آلبرترین داستانی تعریف می‌کرد. من جریان خوابم را به او گفتم. زن همسایه رنگش مثل گچ سفید شد و گفت: به خدا قسم شما خوب می‌شوید. من حتم دارم آن بانو، حضرت معصومه بود. درست است که شما مسلمان نیستید، اما این خاندان کریم‌تر از آن هستند که لطفشان فقط شامل حال مسلمانان شود. حتماً باید قبیل از عمل به قم بروی.

فردا راه افتادیم و هرچه نزدیک‌تر می‌شدیم انگار چراغ امیدی در دلم روشن‌تر می‌شد. وارد حرم شدیم و ... نزدیک‌های صبح بود که باز آن بانو را در خواب دیدم. فرمود: «بچه‌های امان منتظر هستند، مگر قرار نبود امروز برایشان سیزی پلو بپزی؟!» هنوز پاسخی نداده بودم که چیزی به پایم خورد و از خواب بیدار شدم، برخاستم و ایستادم. چند قدم راه رفتم و باورم شد که کاملاً شفا گرفته‌ام.

پای من کاملاً خوب شد و پزشکانی که قرار بود مرا عمل کنند، بعد از معاینه مجدد، همه اعتراف کردند که در حق من معجزه شده است.

پس از شفا گرفتن نذر کردم هر ماه یک‌بار به قم بروم و بالاخره بعد از یک سال و اندی مسلمان شدم و نام سمیه را برای خودم انتخاب کردم. (۱۷)

آنچه خواندیم تنها گوشه‌هایی از دریای کرامت‌های دختر موسی بن جعفر علیه السلام؛ کریمه اهل بیت بود که به مناسبت تولد آن بانوی کرامت تقدیمتان شد.

### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- آل عمران/ ۳۷.
- ۲- توبه/ ۱۲۰.
- ۳- روح البیان، ج ۲، ص ۲۹. نقل از تفسیر نور، ج ۲، ص ۵۸، ذیل آیه ۳۷ آل عمران.
- ۴- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۳۶.
- ۵- تحلیلی نو بر عقاید وهابیان، ص ۹۶، نقل از فنج المجید، ص ۹۳ و ۱۳۷ و ۱۶۹.
- ۶- کامل الزیارات، ص ۱۱.
- ۷- بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۶۶.
- ۸- کریمه اهل بیت، ص ۴۴.
- ۹- فوائد الرضویه، ص ۳۷۹.
- ۱۰- احزاب/ ۳۴.
- ۱۱- ماهنامه کوثر، ش ۳، ص ۷ و ۳۱.
- ۱۲- بارگاه فاطمه معصومه علیه السلام تجلیگاه فاطمه زهرا علیه السلام، ص ۱۲۰.
- ۱۳- کرامات معصومیه، ص ۴۲ تا ۴۶ (با تلخیص فراوان).
- ۱۴- ماهنامه کوثر، مصاحبه با آیت‌الله سید عزالدین زنجانی، ش ۵، ص ۱۰.
- ۱۵- همان، ش ۳، ص ۱۹.
- ۱۶- فروغی از کوثر، ص ۵۷.
- ۱۷- کرامات معصومیه، ص ۱۱۸ تا ۱۱۳ (با تلخیص فراوان)، نقل از مجله زن روز، ۲۷/۱۲/۱۳۶۲.